

## گروگان کعبه

آن خانه را ظلمت و عصیان گرفته است  
آن گوهر مقدس ایمان گرفته است  
دیوان بی خرد ز سلیمان گرفته است  
دزخانه ای شده که دزدان گرفته است  
نامردمان غول بیا بان گرفته است  
رهزن سرشته داری کاروان گرفته است  
غار ت حاجیان دل و جان گرفته است  
پاسبانی بی **حرم خدا جان** گرفته است  
این ناکسان که گنج شایگان گرفته است  
ناطور دزد خانه ای سبحان گرفته است  
چشم بندی حشم و چراغان گرفته است  
پندار های **رجمی شیطان** گرفته است  
سر پنجه ای ستور ستوران گرفته است  
شیطان رفیق و دوری انسان گرفته است  
جای حیات خواب پریشان گرفته است  
در کف مسلمین و مسلمان گرفته است  
غفلت **امید فکر شگوفان** گرفته است  
پیشی **زده لوحه ای فرمان** گرفته است  
شیطان معجزات قرآن گرفته است  
پوستی جای **مغز د رخشان** گرفته است  
جای هزار حرمت و پیمان گرفته است  
دزد کلان منصب سلطان گرفته است  
در قرن بیست و یک به امعان گرفته است  
زین خانه روح رفته و روان گرفته است

شیطان کعبه را به گروگان گرفته است  
با نفس کا فر طینت کا فر بوالهب  
آن خاتمی که زیرنگین داشت برویحر  
آن مرکز سکون که ام البلاد بود  
صحرا وحشت است پراز دزد دیوودد  
رهزن امیر قافله، رهزن مراد و پیر  
اند رمزاج شیر شتر خوار بد رگان  
آنانکه دین شان همه عیش است زروپول  
از خون **حاجیان** نشوند سیر **وها بیان**  
ایمان و دین طلاوشریعت عیش و نوش  
جای **برائت حج** و ارشاد **حاجیان**  
**شیطان پرستی**، حرمت شیطان نابکار  
ای دل مروبه **حج** که آن آستان پاک  
**اسلام ذلیل** و خوار و **منفور عالم** است  
غرق **توهم** است مسلمان در دمند  
سرداری سپاه خرافات تیره رای  
اسلام **مفلس است ز پویایی و تلاش**  
میلیاردها کتاب و تحقیق و تجربه  
اندیشگی بی نو بکارست این زمان  
جز کاغذ سیاه نمانده در آن اثر  
طواف سنگ و خاته سنگ سیاه پوش  
ملت همه تجا **روتخدیر به دزدی**  
الکافران **آل سعود** برده داری را  
**وهابی کعبه** رابه **گروگان** گرفته است

2016 6/25